

بود که من به دعوت جناب خیبر نظیمی مدیر عامل و تولید کننده 2016 به تاریخ هژدهم ماه اکتوبر سال جاری (برنامه پر بیننده و وزین «بامداد خوش» در تلویزیون طلوع که از کابل پخش می‌شود ، با گرداندگی جوانان خوش برخورد و خوش سخن برنامه، مریم جان و ایمل جان، برای اولین بار در تلویزیون طلوع دعوت شدم. تا حال که این نوشتار را تقدیم شما خواننده گرامی پیشکش می‌کنم ده هزار بیننده، نظر به آمارگیری فیسبوک آن برنامه را تماشا کردند و با اینکه زمان برنامه کوتاه بود و اما مورد استقبال مردم شریف کشور قرار گرفت. سؤال جالب را که ایمل جان مطرح کرد این بود که شما منحصیث یک جامعه شناس برای ما بگویید مشکل کشور های رو به شریک انکشاف و اسلامی در چه است؟. خواستم جواب همان سؤال را قلمی بطور مشرح با دوستان و عزیزان شوم .

اقتصاد دان ها چنین عقیده دارند که مشکلات عقب ماندگی کشور های رو به انکشاف ضعف اقتصادی و بیکاری مردم است . اگر مردم کار و در آمد کافی داشته باشند هم کشور آباد می‌شود و هم مردم آرام و آسوده می‌شوند و مشکل نه میداشته باشند و از فقر نجات پیدا میکنند

بحث ما بالای کشور های اسلامی منجمله افغانستان است . در کشور های اسلامی که اکثریت مردم مسلمان هستند موضوع بر عکس است. اساساً فقر فرهنگی باعث فقر اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و کشوری می‌شود زیرا اسلام از نگاه سوسیوپولیتیک یعنی رابطه اجتماع به سیاست های اجتماعی (درین جا هدف از نظام سیاسی نیست) آمد تا اول مردم با اخلاق شوند ، دوم مردم متمدن شوند، و سوم مردم با اساس عدل رابطه داشته باشند.. قبل ازینکه اصل سؤال را که عبارت از فقر فرهنگی است جواب دهیم باید چند واژه را تشریح کنیم تا بهتر به منزل مقصود برسیم. شناخت اساسی این واژه ها کار ما را برای درک واقعیت های یک جامعه اسلامی که چرا عقب گرا شده است و در فقر زندگی میکند، آسان میسازد. قابل یاد آوری است که یک عده کشور های محدود اسلامی که در فقر اقتصادی نیست اما باز هم در فقر قرار دارد و در زمره کشور های جهان سوم قرار گرفته است تنها به خاطر عدم داشتن تکنالوژی نیست بلکه فقر فرهنگی است

اول واژه «رَب»: خداوند متعال خود را با 99 صفت و اما با دو اسم به بشریت معرفی میکند. «الله» و دیگر آن «رَب». اسم «الله» نمایندگی از توحید و پرستش خدای یگانه می کند. و اما «رَب» که در شروع می‌گوید «رَب العالمین» اینجا مقصد از یگانگی خداوند نیست. اینجا خداوند خود را به حیث بزرگترین آموزگار بشریت معرفی میکند. «رَب» یعنی موجودی که از او آموخت. در سوره علق آیه چهارم و پنجم می‌گوید «الذی علم بالقلم» (4) و «علم الانسن ما لم یعلم» (5). یعنی همان که با قلم و [کتابت انسان را] آموزش داد و در آیه متعاقب آن می‌گوید «به انسان چیزی را که نمیدانست ، آموخت». دانستن و فهم این موضوع که خداوند (ج) اولین و بزرگترین آموزگار بشریت است در مطالعات جامعه شناسی اسلامی نهایت با ارزش است زیرا ما مسلمانان میدانیم که بدون اراده خداوند ما نه میتوانیم چیزی را بیاموزیم. یعنی مربی اول انسان از نگاه علمی و راهیابی خداوند است. انسان نباید در اثر بی خبری یعنی بی علمی به خود مغرور شود و همه اساس و مرجع علم را فراموش کند. قرآن در سوره ذاریات آیه یازدهم می گوید: «الذین هم فی غمره ساهون» (۱۱) ” یعنی (کسانی که در بی خبری فراموشکارند). همچنان ، مردم نباید مغرور شوند زیرا در کهولت همه چیز را فراموش میکنند مثل اینکه هیچ چیز نیاموخته باشند. ببینید قرآن چه زیبا درین مورد به انسان خاطر نشان میکند

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمَنْ كَفَرَ مِنْكُمْ مَنْ يُّرَدُّ اِلٰى اَزْدَلِّ الْعُمْرِ لِكٰى لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ سَيِّئًا اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ (۷۰) .

یعنی و خداوند [است که] شما را آفریده است و سپس جانتان را میگیرد و بعضی از شما هستند که به حد اعلای فرتوتی می‌رسند ، چندانکه پس از دانستن [بسیاری چیز ها] چیزی ندانند ؛ بیگمان خداوند دانای تواناست دوم واژه ثقافه است. معنی این لغت در فارسی بطور عموم فرهنگ است. اما معانی دیگر این واژه در مطالعات ما بسیار کمک میکند که عبارت اند از: پرورش، کشت میکروب در آزمایشگاه ، تمدن و همچنان ثقافه یعنی فرا گرفتن دانش و هنر و ادبیات را گویند. از نگاه جامعه شناسی اسلامی پدیده پرورش و یا نمو خوبتر موضوع را افاده میکند. یعنی انسان یک موجود است که همیشه باید درحال پرورش و نمو باشد و به مجرد که از نمو باز

ماند میخشد و مانند نبات از بین می‌رود. این نمو از نگاه قرآنی تنها فزیزی نیست و معنوی هم است. انسان در اثر پرورش معنوی آموزش و پرورش به بالاصعود می‌کند. بزرگان در گذشته‌ها گفته بودند که «از گهواره تا گور دانش آموز» یعنی پرورش انسانی هیچ‌گاه ایستادگی ندارد زیرا اگر متوقف شود انسان از تکامل باز خواهد ماند. قرآن مردم را درباره آموزش و پرورش مردم را دعوت می‌کند و می‌گوید

وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا

یعنی «و بگو الهی بر علم من بیفزای». همچنان خالی از دلچسپی نخواهد بود یاد آور شویم اولین آیه که نازل شد «اقراء» بود. یعنی بخوان. آیه خواندن در اسلام معنی و مفهوم وسیع دارد و به آدمیان می‌رساند که بدون علم و معرفت که خداوند به شما ارزانی داشته مردم به معراج کمال نه می‌رسند. از همین لحاظ بود که شیخ فرید الدین عطار نیشاپوری گفت که:

چو شمع از پی علم باید گداخت- که بی علم نتوان خدا را شناخت.

سوم واژه اخلاق است. عده زیاد مردم اخلاق را با تربیه که هر دو واژه‌های عربی است یکی می‌شمارند. یعنی کسی که بد اخلاق است، بی تربیه است. اساساً وقتی که رسول خدا (ص) می‌فرماید «من برای تکامل مکارم اخلاق آمده‌ام»، از نگاه فلسفه اخلاق، نه منظور این حدیث تربیه است و نه رویه اجتماعی. علم اخلاق یک مطلب فلسفی است که آنرا ما در فلسفه اخلاق در مطالعات علم منطق مطالعه می‌کنیم. درین مورد بزرگان اهل علم مسلمان و غیر مسلمان بحث‌های جالبی دارند که از حوصله این نوشتار خارج است. دانشمندان تعریف‌های گوناگون از علم اخلاق دارند. ما کوتاه‌ترین و درست‌ترین آنرا به شما معرفی می‌کنیم. اخلاق عبارت است از «مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است». این تعریف به ارتباط دین بسیار منطقی است زیرا دین یک مسأله فکری، عقلی و قلبی است نه ظاهری. حدیث مبارک می‌گوید: آمده است تا مراتب اخلاق را یعنی ایمان را در قلب‌های شما از نگاه روحی و باطنی که عبارت است از پرستش ذات اقدس الهی مییابد تکمیل کند که آن عبارت از توحید است. یعنی انسان به معراج کمال نه میرسد تا توحید را نشناسد که خدا یکی است، جهان هستی یکی است، علم یکی است و انسان یکی است. دانش این موضوع از طریق آموزش و پرورش درست قرآن مجید متصور است و نه از کدام طریق دیگری

چهارم واژه تربیه است. این هم عربی است و کلمه تربیت در فارسی از همین لغت عربی گرفته شده است که پرورش معنی میدهد. تربیت از نگاه علم پدیدآوری و یا علم آموزش و پرورش آنست که انسان از یک مرجع موثق، با ثبات و با اعتماد می‌آموزد و پرورش می‌یابد. جالب این است که در فرهنگ اسلام تربیه تنها از پیامبر (ص) آموخته می‌شود نه دیگران. یعنی اگر کسی می‌خواهد تربیه اسلامی داشته باشد باید از پیامبر بیاموزد و عمل کند. تربیه مانند اخلاق یک مبحث فلسفی نیست. قسمیکه از معنی آن پیداست یک مسأله آموزشی و یا تعلیمی است و مانند هر اصول دیگری باید آموخت. و اما اخلاق یک موضوع فلسفی اعتقادی است. درین مورد که مردم مسلمان باید از محمد (ص) بیاموزند، قرآن مجید در سوره احزاب آیه 21 می‌گوید که

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

یعنی در پیامبر خدا سرمشق نیکویی هست

بلی! حالا اگر واژه تربیه را منحیث یک دستور اجتماعی اخلاقی چنانچه در جامعه مروج است و حکمت نظری نه فلسفی مد نظر بیگیریم، ما زمانی اخلاق و یا تربیه سالم میداشته باشیم که «اسوه» یعنی نمونه رفتار و کردار و گفتار ما پیامبر باشد

گفتیم که اسلام از نگاه سوسیو-پولیتیک برای این آمد که مردم با اخلاق باشند و حدیث مبارک پیشوای اسلام (ص) را نقل قول کردیم. مردم وقتی از نگاه توحیدی اخلاق میداشته باشند که وجدان خدا پرست داشته باشند و وقتی شخصیت سالم میداشته باشند که اسوه شان از نگاه اسلامی تنها پیامبر باشد. پس فارمول فرهنگ اسلامی چنین تنظیم یافته است

قرآن (هدایت اخلاقی) + اسوه (نمونه زندگی) = فرهنگ اسلامی

حالا شخص اگر ازین فارمول پیروی نه می‌کند او نه تنها فاقد فرهنگ اسلامی است ، از نگاه تعریف فرهنگ از نمو هم عقب‌مانده است ، خشکیده است و حتی گندیده است. مثال‌های زنده از قرآن کریم و سخنان بارز ش محمد (ص) می‌آوریم

قرآن می‌گوید **وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ**

و اگر درشتخوی سخت دل میبودی بیشک از پیرامون تو پراکنده میشدند (آل عمران آیه 159). حالا اگر شما یک شخص را در جامعه و امروز فیسبک می‌بینید و میخوانید که با مردم رویه نا مناسب دارد و یا فحش می‌گوید و مردم را ریشخند میکند؛ این شخص به فقر فرهنگی دچار است با اینکه نام اسلامی دارد و خود را مسلمان می‌گوید و شاید پنج وقت نماز هم بخواند مثال دیگر از اسوه پیامبر خدمت شما تقدیم می‌کنیم رسول خدا (ص) فرموده است «دعوت را اجابت کنید». حالا اگر شما کسی را دعوت می‌کنید و او بدون پیشکش کردن عذرویا معذرت دعوت شما را لیبیک نه می‌گوید و برای شما تیلفون نه می‌کند که عذر دارد و آمده نه میتواند، آشکارا پیامبر «اسوه» او نیست و در فقر فرهنگی قرار دارد حتی که تحصیلات بلند دارد و شخص نامدار و سرشناس باشد

پیامبر (ص) فرموده است « اختلاف نظر رحمت امت من است». حالا اگر در یک موضوع شما ابراز دلیل و برهان می‌کنید و طرف مقابل در جنگ و دعوای می‌شود و شما را توهین میکند او در فقر فرهنگی قرار دارد زیرا نه میداند که مردم حق دارند نظریات خود را در چارچوب ادب بنویسند

قرآن می‌گوید «انسان را از نفس واحد آفریدیم». و باز قرآن می‌گوید «زن لباس مرد است و مرد لباس زن است» حالا وقتی شما می‌بینید که یک مسلمان مانند و هابیان به زنان حتی حق رانندگی را نه میدهند و در مساجد محل عبادتگاه زنان را جدا کرده‌اند این‌ها در فقر فرهنگی بسر می‌برند حتی که مردم آن‌ها را به نام عالم دین بشناسد. این‌ها از انسان که آزاد آفریده شده است برده ساخته اند

قرآن می‌گوید که مسرفین برادران شیاطین هستند. وقتی که شما یک شخص را که خود را مسلمان می‌گوید و اسراف میکند او به فقر فرهنگی دچار است. این عدم شناخت قرآن و عمل کرد قرآن است که شخص را در جامعه اسلامی به فقر دچار میکند. در اسلام بدترین صفت یک انسان همین است که در فقر فرهنگی یعنی بی‌ایمانی بسر می‌برد نه فقر اقتصادی. زیرا اگر مسلمان بطور باید و شاید فرهنگ اسلامی میداشته باشد او هرگز به فقر اقتصادی و اجتماعی و سیاسی دچار نمیشود. قرآن مجید واضح می‌گوید «ادخلو فی سلم کافه» یعنی در اسلام پوره داخل شوید. از پیشوای اسلام محمد (ص) پرسیدند که فخر تو چیست؟ پاسخ گفت «الفقر فخری». یعنی فخر من فقر من است. این حدیث متفق علیه می‌رساند که پیشوای اسلام با اینکه سرمایه و جاه و جلال دنیایی نداشت و اما به فقر فرهنگی دچار نبود و نشان داد که ایمان است که انسان را از بی‌فرهنگی و نابسامانی نجات میدهد. گفتیم که از نگاه سوسیو پولیتیک اسلام آمد تا مردم مدنی شوند. در بالا دیدیم که یکی از معانی ثقافت تمدن است. حضرت رسول اکرم (ص) بعد از هجرت نام یثرب را مدینه گذاشت. مدینه یعنی شهر. همه مشتقات لغت مانند تمدن ، مدنی ، و مدنیت از همین جا در اسلام شروع میشود. اساسی‌ترین موضوع شهری بودن نه تنها اخلاقی بودن است یعنی ایمان به قلب بلکه مدنی بودن است. شخص مدنی عاری از تعصب ، تنگ نظری و تبعیض می‌باشد. به اساس قانون و قرار داد های اجتماعی زندگی میکند. حقوق دیگران را محترم می‌شمارد. در نظام شهری، مردم، زن و مرد از نگاه مدنی حقوق مساوی دارند. حالا وقتی شما در یک شهر مانند کابل که پایتخت کشور است حالت مانند قضیه فرخنده رخ میدهد این بزرگترین فقر فرهنگی است که مردم با قانون صحرا در شهر زندگی میکنند اگر نام کابل را از نگاه مدنی شهر بگذاریم. وقتی که و هابیان عبادتگاه مردم را در شهر کابل ویران میکنند این بزرگترین نمونه فقر فرهنگی است. وقتی که شما می‌بینید که مردم در کنار دریا در شهر ایدار می‌کنند این شهر شدید به مشکل فقر فرهنگی دچار است و از مدنی بودن خبری نیست زیرا قرآن می‌گوید پاکان را دوست دارد. خواه مخواه سطح رهبری یک کشور در مدنی بودن مردم شدید نقش بارز دارد و این وضع نمایانگر این است که سطح رهبری هم دچار حالت غیر مدنی است زیرا همه را به چشم می‌بیند و جزیی ترین اقدامی نه میکند. یک رهبر متمدن جامعه را به مدنیت می‌رساند چنانچه فرهنگ اسلام باعث به وجود آوردن تمدن بس عظیم به نام

تمدن اسلامی شد. در مورد تمدن اسلامی اروپائیان و امریکائیان امروز بسیار نوشته اند. جالبترین کتاب را که درین زمینه این محقق میتواند به خواننده گرامی سفارش کند، کتاب «فرهنگ اسلام در اروپا» اثر دکتور زیگرید هونکه آلمانی است. این کتاب محقق و پژوهشگر آلمانی نشان میدهد که اسلام اروپا را تغییر داد. اما امروز زن و مرد مسلمان یا با تعصب زندگی میکند یا قرآن را زیر سؤال می برد یا به اسلام ریشخند میکند و شما در فیسبوک این حالت فرهنگ زدایی را هر روز می خوانید و یا تقلید از غیر میکنید و فکر میکنید متمدن معلوم می شود بیچاره نه میدانند که مسخ فرهنگی شده است

اساس استوار جامعه اسلامی عدالت است. عدالت توازن جامعه است. عدالت تنها برای مسلمانان نیست بلکه مسلمان و غیر مسلمان است. فقر فرهنگی باعث به وجود آمدن بی نظمی، بی عدالتی، قوم پرستی، زن ستیزی، مواد مخدر افراط و تفریط و صد ها بیماری های اجتماعی دیگر می شود زیرا و قتی هدایت اخلاقی قرآن و اسوه پیامبر در فرهنگ مردم جا نداشته باشد آن جامعه به بزرگترین فقدان نه تنها فرهنگی بلکه اقتصادی دچار می شود. روزی نزد یکی از خلفای عباسی آمدند و عرض حال کردند که در قلمرو اسلام فقیر نیست، زکات را چگونه توزیع کنند؟؟ خلیفه جواب داد زکات را در خارج از قلمرو اسلام پخش کنید!! فقر فرهنگی باعث می شود تا نظام صحرائی یعنی افراط و تفریط، زور قوم پرستی و تقلید های بیجا در محل به نام شهر به قوت رسد. مولانا چه زیبا گفته است:

خلق را تقلید شان بر باد داد- ای دو صد لعنت بر این تقلید باد. علاج جامعه اسلامی دموکراسی غربی نیست زیرا زندگی امروز از رئیس جمهور کشور گرفته تا ملا مسجد و تحصیل یافته همه و همه با مرض فقر فرهنگی دچار است. اویکه اقتدار سیاسی دارد مقلد غرب است و اویکه فکر میکند با عبا و قبا مسلمان است مقلد ملا و هابی و آخوندی است و فکر میکند و قانع شده است که دین را فهمیده است و در تعصب مذهبی، زن ستیزی، نکاح صغیر، کنترل عقل و فکر مردم رشوه، فال بینی و دیگر خرافات که همه خلاف دین است زندگی میکند و از دین یک هیولا ساخته است که اگر چیزی که او می گوید قبول نکردی کافر و ملحد هستی. همه بد بختی مردم مسلمان به خاطر فقر فرهنگی و تقلید کورکورانه است. فرد گرایی غربی و نظام لیبرال غربی در یک جامعه اسلامی به گفته مرحوم علی شریعتی به جز از بی بند و باری چیزی دیگری به بار نیآورده است. نتیجه اینکه درین تحقیق دیدیم که محور غنای فرهنگی خدا پرستی که اخلاق باطنی و ایمان را مطرح میکند و اسوه پیامبر که روابط اجتماعی ما را از طریق تربیه سالم به اساس عدالت است تشکیل میدهد، میباید مسلمان و قتی نمو میکند که به قرآن اعتقاد کامل داشته باشد و پیامبر را به حیث نمونه زندگی خود قلباً قبول کند و بینه به بینه مسایل را تعقیب کند. پنج بنای مسلمانی و قتی مؤثر می افتد که ما بنای اول را درست از نگاه علمی دانسته باشیم و عمل کنیم. پنج بنای مسلمانی و قتی تأثیر گزار است که بنای اول را ما با دل و جان قبول کرده باشیم که از غیر خدای واحد کسی را پرستش نکنیم و محمد (ص) را الگوی زندگی انتخاب کنیم. آنانیکه عقب گرا متعصب و تنگ نظر هستند برای این است که کلمه طیبه را درست نفهمیده اند.

برای اینکه ازین منجلاب بدبختی نجات پیدا کنیم باید اول هر یک ما ده نفر را با سواد سازیم و درین سواد آموزی باید مدنی ساختن و فرهنگی ساختن شخص مطرح باشد. طور مثال و قتی حرف «ظ» را تدریس می کنیم باید اسوه پیامبر را با حرف «ظ» هم تدریس کنیم و پرورش دهیم که اسوه ما این است که نظافت نصف ایمان است. امروز دیده می شود که همه تحصیل یافته و با تحصیل، باسواد و بی سواد، دارا و نادار دچار فقر فرهنگی است. محمد (ص) قبل ازینکه جامعه را بسازد انسان جامعه ساز را ساخت. متأسفانه قسمیکه در افتتاح جنبش بین المللی مبارزه بر علیه نکاح صغیر گفتیم ما همیشه کوشش میکنیم که جامعه را با امور ساختمانی آباد کنیم بدون اینکه در انسان سازی جامعه سرمایه گذاری کرده باشیم و مردم را از فقر فرهنگی نجات دهیم

بیست و چهارم نوامبر 2016 میلادی

روز شکران در ایالات متحده آمریکا

درین روز، بزرگترین سپاس به خدای من این است که هزار بار شکر می کنم که من را مسلمان ساختی و مخصوصاً از فقر فرهنگی نجات بخشیدی. سپاس می کنم که به من بالا ترین معظم ترین با شکوه ترین فرهنگ را اعطا کردی و آن اسلام محمد است. سبحان الله الحمد لله و الله و اکبر به بزرگی و عظمت ات یا رب العزت